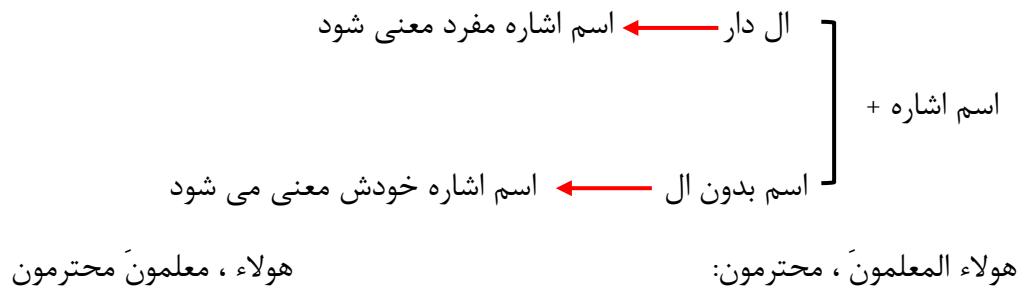




درس اول



نکته در ترجمه اسم اشاره



هولاء المعلمون ، محترمون:

کلمات پرسشی:

أ - هل : آیا	من : چه کسی، چه کسانی
لمن: برای کیست، مال چه کسی است.	من هُو : کیست
آین: کجا	من آین: از کجا ، اهل کجا
کیف : چگونه	لماذا : چرا
ماذا : چه وقت	لِم: برای چه
کم: چند ، چقدر	متی: چه وقت

فعل ماضى

ضمير متصل

ي	من رفتم	من : آنا ذَهَبْتُ متكلم وحده
ك	تو رفتي	تو : أنت ذَهَبْتَ مفرد مذكر مخاطب
كِ		أنتِ ذَهَبْتِ مفرد مونث مخاطب
و	او رفت	او : هُوَ ذَهَبَ مفرد مذكر غائب
ها		هيَ ذَهَبَتْ مفرد مونث غائب
نا	ما رفتي	ما : نَحْنُ ذَهَبْنا متكلم مع الغير
كما		شما : أنتما ذَهَبْتُما مثنى مذكر مخاطب
كُما	شما رفти	أنتما ذَهَبْتُما مثنى مونث مخاطب
كُم		أنتُم ذَهَبْتُم جمع مذكر مخاطب
كُنَّ		أنتُنَّ ذَهَبْتُنَّ جمع مونث مخاطب
هما		ايشان : هما ذَهَبَا مثنى مذكر غائب
هما	أنها رفتند	هما ذَهَبَتا مثنى مونث غائب
هم		هُمْ ذَهَبُوا جمع مذكر غائب
هنَّ		هُنَّ ذَهَبْنَ جمع مونث غائب

تقسيم بندى اسماز نظر جنس و عدد :



فعل مضارع

ما می رویم	ما : نَحْنُ نَذَهَبُ	من می روم	من : أَنَا أَذَهَبُ
شما می روید	شما : أَنْتُمَا تَذَهَّبَانِ	تو می روی	تو : أَنْتَ تَذَهَّبُ
ایشان می روند	أَنْتُمَا تَذَهَّبَانِ		أَنْتَ تَذَهَّبِينَ
	أَنْتُمْ تَذَهَّبُونَ	او می روید	او : هُوَ يَذَهَبُ
	أَنْتُنَّ تَذَهَّبَنَ		هِيَ تَذَهَّبُ
	ایشان : هُمَا يَذَهَّبَانِ		
	هُمَا تَذَهَّبَانِ		
	هُمْ يَذَهَّبُونَ		
	هُنَّ يَذَهَّبَنَ		

نکته ۱) ماضی با آوردن (ما) در ابتدای فعل و مضارع با آوردن (لا) اول فعل مضارع منفی می شود:

ذَهَبَ = رفت ← ما ذَهَبَ = نرفت

يَذْهَبُ = می رود ← لا يَذْهَبُ = نمی رود

نکته ۲) فعل امر: معمولاً از فعل های دوم شخص مضارع ساخته می شود

حرف مضارع (ت) را از ابتدای مضارع حذف می کنیم و بجای آن (إِ يا أُ) می آوریم

اگر دومین حرف اصلی ضمه ُ باشد (أُ) ؛ در غیر اینصورت (إِ) می آوریم.

آخر فعل اگر ضمه ُ باشد به ساكن تبدیل می شود و اگر (انِ - ونِ - ینَ) باشد (ن) حذف می شود

شما : آنتما تَجَلِّسَانِ = إِجْلِسا
تو : آنت تَجَلِّسُ = إِجْلِس

آنتُما تَجَلِّسَانِ = إِجْلِسا
آنٌتٌ تَجَلِّسِينَ = إِجْلِسِي

آنُّتم تَجَلِّسُونَ = إِجْلِسو
بشنین

آنٌتُنَ تَجَلِّسَنَ = إِجْلِسَنَ
بشنید

نکته ۳) مستقبل : سَ ، سوف + مضارع

يَذْهَبُ ← سَيَذْهَبُ خواهد رفت

سوف يَذْهَبُ

نکته ۴) فعل نهی

ابتدای فعل مضارع «لا» می آوریم و اگر آخرش ضمه ُ بوده به ساكن تبدیل شده و اگر (انِ - ونِ - ینَ) باشد (ن) حذف می شود .

تَجَلِّسُ = لا تَجَلِّسا ← لا تَجَلِّسا

تَجَلِّسِينَ = لا تَجَلِّسي ← لا تَجَلِّسِينَ

تَجَلِّسَنَ = لا تَجَلِّسنَ ← لا تَجَلِّسنَ

نشین

نشینید

نکته ۵) ماضی استمراری در ترجمه : کان + مضارع

ماضی استمراری یعنی کاری که در گذشته چندبار تکرار شده است.

کان یَذَهَبُ = می رفت

کانتا تَذَهَبَانِ = می رفتند

وزن کلمات

بسیاری از کلمات در عربی سه حرف اصلی دارند که می توان آنها را از طریق کلمات هم خانواده بدست آورد.

کلمه : عالم معلوم علیم تعلیم علوم تعلم

وزن : فاعل مفعول فعال تفعیل فعل تفعّل

همانطور که ملاحظه می کنید سه حرف اصلی کلمات فوق (علم) است.

که ریشه کلمه است و در همه کلمات تکرار شده است.

ترجمه : اسم فاعل به معنی انجام دهنده و اسم مفعول به معنای انجام شده می باشد

مکتوب = نوشته شده

مبحث اعداد:

اعداد اصلی : برای شمارش به کار می رود ، همان یک ، دو ، سه و ... است از ۱ تا ۱۲ هست

واحد، اثنان ، ثلاثة ، أربعة ، خمسة، ستة ، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة، احدعشر، إثنا عشر

اعداد ترتیبی: همان (یکم ، دوم ، سوم و ...) است برای بیان مرتبه استفاده می کنیم

از ۱ تا ۱۲ اینچنین می آید. (جز الاول والاولی بقیه بروزن الفاعل یا الفاعله می باشند).

الاول، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس، السادس، السابع ، الثامن التاسع ، العاشر ، الحادی عشر ، الثاني عشر

الاولی، الثانية ، الثالثة ، الرابعة ، الخامسة ، السادسة ، السابعة ، الثامنة التاسعه ، العاشرة ، الحادیه عشره الثانية عشره

ساعت : در عربی برای بیان ساعت کامل ، از اعداد ترتیبی بر وزن (الفاعله) استفاده می کنیم و برای بیان (نیم) از «النَّصْف» و برای (ربع) از «الرُّبْع» و برای «یک ربع مانده به...» از فرمول «عدد ترتیبی + إلٰ + ربعاً » استفاده می کنیم.

- ١) ساعت کامل : الواحدة تماماً – الثامنة تماماً – الخامسة تماماً
- ٢) ساعت کامل به اضافه نیم و ربع : الرابعةُ و النصف – الخامسةُ و الربع
- ٣) یک ربع مانده به ساعت کامل: السابعةُ إلٰ ربعاً- التاسعةُ إلٰ ربعاً

رنگ ها:

اللون = رنگ ها أَخْضَر = سبز ، أَحْمَر = سرخ ، أَسْوَد = سیاه ، أَبْيَض = سفید ، أَصْفَر = زرد ، أَزْرَق = آبی ، بَنَفْسَجِي = بنفش

روزهای هفتہ : أيام الأسبوع : روزهای هفتہ ← السَّبْت = شنبه ، الأَحَد = یکشنبه ، الإِثْنَيْن = دوشنبه ، الْثُّلَاثَاء = سه شنبه ، الْأَرْبَعَاء = چهارشنبه ، الْخَمِيس = پنج شنبه ، الْجُمُعَة = جمعه

موصوف، صفت / مضاف و مضاف اليه

١) موصوف: اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می آوریم که صفت نامیده می شود به عبارت دیگر دو اسمی که هردو «ال» داشته باشد، یا هردو بدون «ال» باشند بشرطی که علامت آخر هر دو یکسان باشد ، موصوف و صفت هستند.

مُخْتَبَرُ صَغِيرٌ=آزمایشگاهی کوچک أَصْنَاعَةُ الْجَدِيدَةِ= صنعت جدید طلاب مجتهدون=دانشجویانی کوشای

٢) مضاف: اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف اليه) نسبت داده می شود که اولی مضاف، (ال و تنویه نمی گیرد ولی دومی مضاف اليه ، غالباً ال یا گاهی تنوین می گیرد.

<u>مُخْتَبَرُ المَدْرَسَةِ</u> =آزمایشگاه مدرسه	<u>صِنَاعَةُ الْوَرَقِ</u> =صنعت کاغذ	<u>مُخْتَبَرُ مَدْرَسَةِ</u> =آزمایشگاه مدرسه ای
مضاف اليه	مضاف	مضاف اليه

كتابُ التلميذِ	اسم بدون ال + اسم ال دار =
مضاف اليه	مضاف

<u>مَرْأَتُنَا</u>	<u>أُخْتِي</u>	<u>عَمْلُكَ</u>	ب) اسم + ضمير متصل
مضاف مضاف اليه	مضاف	مضاف اليه	مضاف

ج) اسم بدون ال دار + اسم مجرور = كتاب تلميذ

اما در ترجمه فارسی ، اول صفت معنی می شود.

اسم + مضاف إليه + صفت ال دار + ضمير متصل

<u>سفرتنا العلمية</u> = سفر علمي ما	<u>مزرعتنا الكبيرة</u> = مزرعه بزرگ ما
مضاف اليه صفت	مضاف اليه صفت

مضاف اليه صفت **مضاف اليه صفت** **بواجباته المدرسية = تكاليف مدرسه اش على عملك الصالح = كار نيك تو**

د، حملات زر، موصوف و صفت، مضاف و مضاف الله، ا بیدا کنید:

١) الطفولة هي السنوات الأولى من حياة الإنسان

٢) في أحد الأيام انكسرت إحدى زجاجات المواد الكيميائية في المطبعة

٣) الطاقة الكهربائية في هذا العصر سبب رئيسٍ لتقديم الصناعات الجديدة

٤) لَبَسَتْ أُمّي خَاتِمَهَا الْذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي

نکته ۱) یاجمع غیر انسان صفت مفرد مونث می‌آید.

نکته ۲) بعضاً اسماً اشخاص مضاف الله نمی‌آید.

نکته ۳) بعد از اسم اشاره اسم ال دار باید مشارالیه هست و اگر اسم بدون ال بیاد خبرمی باشد.

درس اول

تمرین

الف) ترجمه : هذه الافعال و اكتب نوعها

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ، لا تجلسن : ، إجلس : | ، لا يجلسن : ، إجلسوا : |
| ، سوف نجلسن : ، سأجلسن : | ، كانوا يجلسون : ، ما جلستم : |

ب) عين الفعل المناسب للفراغ :

- | | | |
|------------------------------|-----------------------------|---|
| <input type="radio"/> حفظنا | <input type="radio"/> حفظت | ١) الامهات سورتين من القرآن. |
| <input type="radio"/> يغسلون | <input type="radio"/> يغسلن | ٢) هولاء المعلمون قبور الشهداء. |
| <input type="radio"/> كتب | <input type="radio"/> كتبت | ٣) آنا الواجبات في بيتي. |
| <input type="radio"/> ستدهب | <input type="radio"/> سيدهب | ٤) والد فاطمة في يوم الاثنين إلى القرية . |

ج) عين الصحيح للفراغ الزوار يذهبون الى مدينة قم.

- ١) كان ٢) كانوا ٣) كنتم ٤) كانوا

د) عين الصحيح :

- ١) نحن سأذهب ٢) أنت تذهبين ٣) هم إذهبون ٤) هما يذهبون

هـ) انتخب المترادف لكلمة «السحاب»

- ١) الشمس ٢) السماء ٣) الغيم ٤) القمر

و) عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمُتَرَادِ وَالْمُتَضَادِ :

١) بَيْعٌ = شَرَاءٌ ٢) رَقْدٌ # نَامٌ ٣) رَخِيْصَةٌ # غَالِيَةٌ ٤) بِدَايَةٌ = نَهَايَةٌ

ز) عَيْنُ التَّرْجِمَةِ الصَّحِيحَةِ :

١) وَ انْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ قَمْنَ ذَا الَّذِي أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ ؟

الف) به ابر نگاه کن ، پس این چه کسی است که از آن باران ها را نازل می کند؟

ب) به ابر نگاه کن ، پس این کیست که از آن باران را نازل کرد؟

٢) «اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رِزْقًا وَ هُوَ ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَيْمِ وَ قَدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ» :

الف) خدا همان کسی است که نعمت هایش ریزان است و او دارای حکمتی کامل و قدرتی تواناست.

ب) خدا همان کسی است که نعمت هایش ریزان است و دارای حکمتی زیاد و بسیار نیرومند می باشد.

٣) «أَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَانَكَ تَعِيشُ أَبْدًا وَ أَعْمَلْ لَاخْرَتَكَ كَانَكَ تَمُوتُ غَدًا»

الف) برای دنیا چنان کار کن که گویی همیشه زندگی می کنی و برای آخرت چنان کار کن که گویی

نژدیک است بمیری

ب) برای دنیایت چنان کارکن گویی همیشه زندگی می کنی و برای آخرت چنان کار کن گویی فردا

می میری

٤) عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ : «وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بِاطِلًا»

الف) و در خلق آسمان ها و زمین می اندیشنند پروردگارا این را بیهوده نیافریدی.

ب) و در خلق آسمان ها و زمین ها فکر می کنند ، پروردگارا این را به باطل نیافریدی

تست های چهارگزینه ای درس اول

عربی دهم انسانی

١. عَيْن الصَّحِيفَ : "يُوْجَدُ الشَّمْسُ مِثْلُ الشَّرَرَةِ وَ يَزُونُ سَمَاءَ اللَّيْلِ بِالْأَنْجُمِ الْمُنْتَشِرَةِ".

- الف) خورشید را همچون پاره‌ی آتش پدید آورد و آسمان شب را با ستارگان پر اکنده بیاراست.

ب) خورشید، همچون پاره‌ی آتش به وجود می‌آید و آسمان شب با ستارگان پر اکنده آراسته می‌شود.

ج) خورشید را همچون پاره‌ی آتش پدید می‌آورد و آسمان شب را با ستارگان پر اکنده می‌آراید.

د) خورشید را همچون پاره‌ی آتش می‌پاید و آسمان شب با ستارگانی، پر اکنده آراسته می‌شود.

٢. عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا خَطًّا:

- الف) يُنْزَل مَطَرَهُ مِنَ الْعَيْوِمِ الَّتِي تَنَرَّاكُمْ فِي السَّمَاءِ: بارانش از ابرهایی که در آسمان متراکم می‌شوند می‌بارد.

ب) أَنْظُرْ إِلَى الشَّجَرَةِ وَأَرِيْ غُصُونَهَا النَّصِيرَةِ: به درخت نگاه کن و شاخه‌های تر و تازه اش را ببین.

ج) لَا تَنْتَرُوا إِلَى الشَّمْسِ لِأَنَّ جَذْوَتَهَا تَضُرُّ عُيُونَكُمْ: به خورشید نگاه نکنید زیرا شعله آن به چشم‌ها آسیب می‌رساند.

د) يُبَدِّلُ الْحَبَّةَ فِي الْأَرْضِ وَتَنَمُّ الشَّجَرَةُ مِنْهَا: دانه را در زمین تغییر می‌دهد و درخت از آن می‌روید.

٣. عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمُتَرَادِفِ وَالْمُتَضَادِ.

- الف) ثَمَرَةٌ = نَتْيَاجَةٌ** **ب) أُوْجَدَ = خَلَقَ** **ج) يَسَارٌ = شِمَالٌ** **د) مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ**

٤. عَيْنُ الصَّحِيفَ: "جَعَلَ اللَّهُ الضَّيَاءَ فِي الشَّمْسِ يُقْدِرَتِهِ الْمُقْتَدِرَةُ وَ حَكَمَتِهِ الْبَالِغَةُ".

- الف) خداوند نور خورشید را با قدرت توانمند و حکمت کامل پدید آورد.
 - ب) خداوند قدرت و حکمت کامل خودش را در نور خورشید قرار می دهد.
 - ج) خداوند قدرت و حکمت کاملش را در روشنایی خورشید قرار داد.
 - د) خداوند با قدرت توانمند و حکمت کامل خودش، روشنایی را در خورشید قرار داد.

٥. ما هو الصحيح في الترجمة: "هل لا تعلمون أنَّ أَنْعَمَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مُنْهَرَةً كَالدَّرَرِ الْمُضِيَّةِ؟"

- الف) آیا نمی دانید که نعمت های خدا همچون مرواریدهای پراکنده در آسمان ها و زمین ریزان است؟

ب) آیا نمی دانی که نعمت های خدا همچون مرواریدهای نورانی در آسمان ها و زمین ریزان است؟

ج) آیا نمی دانند که نعمت های خدا همچون مرواریدهای پراکنده در آسمان ها و زمین ریزان است؟

د) آیا نمی دانی که نعمت های خدا همچون مرواریدهای نورانی در آسمان ها و زمین فروزان است؟

٦. أيُّ كَلْمَةٍ مُفْرِدُهَا مُؤْنَثٌ.

د) جُسُور

ج) بَضَائِع

ب) تَمَاثِيل

الف) إِخْوَة

٧. عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي كُلُّ كَلِمَاتِهَا جَمْعٌ سَالِمٌ.

ب) بَسَاتِين، كَافِرِين، تَلَمِيذَات

د) مَادِحِين، نَاجِحَات، مُنَاسِبَات

الف) عَالِمَات، نَاصِحُون، أَبِيَات

ج) أَمَوَات، قَوَانِين، كَاتِبَين

٨. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجِمَةِ.

ب) اِبْحَثُوا عَنْ : جَسْتَجوْ كَنِيد

د) لَا يَرْفُدُ : نَمِيْ خَوَابِد

الف) كَانَتْ تَلَعِبْ : بازِى مِى كِردى

ج) مَارَجَعَنْ : بِرْ نَكْشَنَد

..... زُمَلَاءُ مُجَاهِدُونَ.

د) عَلَيْ وَأَصْدِقَائِهِ

ج) هُمْ

ب) أَنْتُمْ

الف) أَنْتُنَّ

٩. عَيْنُ مَا هُوَ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ:

ب) تَلَكَ الْمُعَلَّمَةُ يُدَرِّسُ فِي بَيْتِهَا.

د) اولَنَكَ تَلَعَبِينَ فِي بَيْتِهِنَّ.

الف) ذَلِكَ الْفَلَاحُ يَعْمَلُ فِي حَدِيقَتِها.

ج) أَنْتَ وَ زَمِيلَاتِكَ تَلَعَبِنَ فِي بَيْتِكَ.

١٠. ما هُوَ الصَّحِيحُ.